14: Intelligence Analysis

14: آنالیز اطلاعات

Intelligence analysis is the process of producing formal descriptions of situations and entities of strategic importance. Although its practice is found in its purest form inside intelligence agencies, such as the CIA in the United States or M36 in the UK, its methods are also applicable in fields such as business intelligence or competitive intelligence.

آنالیز اطلاعات فرآیند تولید توصیف رسمی موقعیت ها و نهادهای مهم استراتژیک است. اگر چه فعالیت آن به خالص ترین شکل در داخل سازمان های اطلاعاتی مانند CIA در ایالات متحده و یا M36 در انگلستان یافت می شود، اما روش های آن نیز در زمینه هایی نظیر اطلاعات کسب و کار یا اطلاعات رقابتی قابل استفاده است.

Here we deal with the intellectual process of analysis itself, as opposed to the intelligence analysis management, which, in turn, is subordinate to intelligence cycle management. Obviously, a set of problem-solving talents are essential for analysts. Since the other side may be hiding their intention, the analyst must be tolerant of ambiguity, of false leads, and of partial information far more fragmentary than faces the experimental scientist.

در اینجا ما با روند فکری آنالیز مواجه هستیم، این مخالف مدیریت آنالیز اطلاعات است، که، به نوبه خود، تحت سلطه مدیریت چرخه اطلاعاتی می باشد. بدیهی است که مجموعه ای از استعدادهای حل مسئله برای تحلیلگران ضروری باشد. زیرا طرف دیگر ممکن است قصد خود را پنهان کند، در نتیجه تحلیلگر باید در برابر ابهام و دروغ صبور باشد و اطلاعات جزئيتر نسبت به دانشمندان تجربی بدست آورد.

The receipt of information in small increments over time also facilitates assimilation of this information into the analyst's existing views. No one item of information may be sufficient to prompt the analyst to change a previous view. The cumulative message inherent in many pieces of information may be significant but is attenuated when this information is not examined as a whole.

دريافت اطلاعات با افزايش اندک در طول زمان نيز جذب اين اطلاعات را با توجه به ديدگاه هاي موجود برای تحليلگران آسان تر مي کند. هیچ یک از آیتم های اطلاعاتی نباید برای تحریک کردن تحلیلگر برای تغییر دیدگاه قبلی کافی باشند. پیام تجمعی ذاتی در بسیاری از اطلاعات ممکن است قابل توجه باشد، اما وقتی که این اطلاعات به طور کلی مورد بررسی قرار نگیرند، تضعیف می شود.

Writers on analysis have suggested reasons why analysts come to incorrect conclusions, by falling into cognitive traps. Without falling into the trap of avoiding decisions by wanting more information, analysts also need to recognize that they always can learn more about the opponent. No intelligence analyst is perfect, but the best ones learn from their own mistakes and positive experience, as well as the mistakes and experiences of others.

نویسندگان آنالیز دلایلی را پیشنهاد می کنند که چرا تحلیلگران، با سقوط به تله های شناختی، به نتایج نادرست می رسند. بدون سقوط به تله های تصمیم گرفتن به واسطه خواستن اطلاعات بیشتر، تحلیلگران همچنین باید به این نکته توجه داشته باشند که همیشه می توانند درباره حریف بیشتر بدانند. هیچ تحلیلگری کامل نیست، اما بهترین تحلیل گرها از اشتباهات خود تجربه مثبت کسب می کنند، و همچنین از اشتباهات و تجربیات دیگران یاد می گیرند.

The body of specific methodology for intelligence analysis is generally referred to as analytic tradecraft. The academic disciplines examining the art and science of intelligence analysis are most routinely referred to as "Intelligence Studies". Probability can be seductive, when not used as a tool. Many analysts prefer the middle-of-the-road explanation, rejecting high or low probability explanations.

بدنه روش خاصی برای آنالیز اطلاعات به طور کلی به عنوان معامله تحلیلی شناخته می شود. رشته های دانشگاهی که هنر و علم آنالیز اطلاعات را بررسی می کنند، به طور معمول بیشتر به عنوان «مطالعات اطلاعات» شناخته می شوند. احتمالات می تواند گمراه کننده باشد، مخصوصا زمانی که به عنوان ابزار استفاده نمی شوند. بسیاری از تحلیلگران توضیح میانی جاده ها را ترجیح می دهند و توضیحات بالقوه یا کم احتمال را رد کنند.

Analysts may use their own standard of proportionality as to the risk acceptance of the opponent, rejecting that the opponent may take an extreme risk to achieve what the analyst regards as a minor gain. Above all, the analyst must avoid the cognitive trap projecting what she or he wants the opponent to think, and using available information to justify that conclusion.

تحلیلگران ممکن است از استانداردهای خودشان نسبت به پذیرش ریسک حریف استفاده کنند، و این که حریف ممکن است خطر بزرگی برای رسیدن به آن چیزی باشد که تحلیلگر به عنوان سود جزئی در نظر می گیرد را رد می کند. مهمتر از همه، تحلیلگر باید از تله شناختی در مورد آنچه را که می خواهد حریف به آن فکر کند اجتناب کند و از اطلاعات موجود برای توجیه این نتیجه استفاده نماید.

While a good analyst must be able to consider, thoughtfully, alternative viewpoints, an analyst must be willing to stand by his or her position. This is especially important in specialized areas, when the analyst may be the only one that reads every field report, every technical observation on a subject.

در حالی که یک تحلیلگر خوب باید بتواند نظرها و دیدگاههای متفاوتی را در نظر بگیرد، یک تحلیلگر باید موضع خود را حفظ کند. این امر در حوزه های تخصصی بسیار مهم است، مخصوصا زمانی که تحلیلگر ممکن است تنها کسی باشد که هر گزارش میدانی، هر مشاهدات فنی در یک موضوع را می خواند.

Watanabe observes, "It is better to be mistaken than wrong...." Not willing to be wrong is also a disease of the highest policymaker levels, and why there needs to be a delicately balanced relationship, built of trust, between a policymaker and his closest intelligence advisors.

وانتابه می گوید: «اشتباه کردن بهتر از نادرست رفتار کردن است....». عدم تمایل به نادرست رفتار کردن یکی از خطرناک ترین بیماری ها در بالاترین سطح سیاست گذاران است و به همین دلیل باید یک رابطه متعادل اعتماد بین سیاستگذار و نزدیکترین مشاوران اطلاعاتی او ایجاد شود.

He was once "responsible for evaluating foreign export control systems to determine if they could protect sensitive Western technology. I was convinced that one of the countries I was studying was not able to protect sensitive technologies... and I had written my intelligence assessments accordingly.... [After direct observation in the country] I was surprised to find that it was far more secure than I had believed, and I reversed my earlier assessments of its unreliability. Had I stuck to my original analysis, I would have been wrong."

او یک بار «مسئول ارزیابی سیستم های کنترل صادرات خارجی بود تا بتوانند از تکنولوژی حساس غربی حمایت کنند. من متقاعد شدم که یکی از کشورهایی که در حال مطالعه بودم توانایی محافظت از تکنولوژی های حساس را نداشت ... و من ارزیابی های اطلاعاتی خود را مطابق این موضوع نوشتم.... [پس از مشاهده مستقیم در کشور] من تعجب کردم که این کشور بسیار امنتر از اعتقاد من بود و من ارزیابی های قبلی خود را درباره عدم اطمینان تغییر دادم. اگر به آنالیز اصلی خود متکی بودم، دچار اشتباه می شدم».

"Being an intelligence analyst is not a popularity contest.... But your job is to pursue the truth. I recall a colleague who forwarded an analysis that called into question the wisdom behind several new US weapon systems. This analysis caused criticism of the CIA, of his office, and of himself. He stood his ground, however; the Agency supported him, and eventually he was proved right. He did not make a lot of friends, but he did his job.

تحلیلگر اطلاعاتمند بودن رقابت محبوبی نیست .... اما کار شما این است که به دنبال حقیقت بگردید. من یک همکار را که آنالیز کرده بود و به تفکر پشت چندین سیستم جدید سلاح های ایالات متحده پاسخ داد، به یاد می آورم. این تحلیل باعث انتقاد CIA از دفتر او و خود او شد. اما او سر حرف خود ایستاده بود، با این حال، آژانس از او ​​ حمایت کرد، و در نهایت نظر او به درستی اثبات شد. او دوستانی برای بدست نیاورد، اما کار خود را انجام داد.

Reality checking is not to be underestimated. In WWH, the Allies launched an air offensive against a target system that they really did not understand: the V-l cruise missile. Their rationale to attack it was that if the enemy apparently valued it, it must be worth attacking [6].

چک کردن واقعیت را نمی توان دست کم گرفت. در WWH، متحدان پدافند هوایی را علیه یک سیستم هدف قرار دادند که واقعا موشک کروز V-l را نمی فهمیدند. منطق آنها برای حمله این بود که اگر دشمن ظاهرا ارزش آن را داشته باشد، باید مورد حمله قرار گیرد [6].

This may have been rational when there were large numbers of aircraft and pilots, but it might not be warranted today, at least until the analysts have a chance to verify the target system is not a decoy. If the system is real, then it might have been warranted to defer attack until a massive one could have been delivered.

هنگامی که تعداد زیادی از هواپیما و خلبانان وجود داشته باشد این کار ممکن است منطقی باشد، اما امروز ممکن است مورد تأیید قرار نگیرد، حداقل تا زمانیکه تحلیلگران فرصتی برای تایید سیستم هدف نداشته باشند. اگر سیستم واقعی باشد، آنگاه ممکن است ضرورت داشته باشد حمله را تا زمانی که حمله عظیم صورت گیرد، متوقف کند.

Experienced analysts recommend seeing oneself as a specialist on a team, with 5- 10 key players. Learn something about each of them, both in terms of how they express themselves, and how you can reinforce their strengths and support their weaknesses.

تحلیلگران متخصص توصیه می کنند که فرد باید خود را به عنوان متخصص تیمی با 5 تا 10 بازیکن کلیدی در نظر بگیرند. در مورد هر کدام از اعضا تیم اطلاعات کسب کند، اطلاعاتی در مورد اینکه افراد چگونه خودشان را معرفی می کنند، و اینکه چگونه می توانند نقاط قوت خود را تقویت کنند و نقاط ضعف خود را پنهان نمایند، بدست آورد.

The analyst must constantly ask himself, "What do they want/need to know? How do they prefer to have it presented? Are they still trying to select the best course of action, or have they committed and now need to know the obstacles and vulnerabilities on their chosen path?" Others on the team may know how to handle the likely challenges.

تحلیلگر باید دائما از خودش بپرسد «افراد تیم چه چیزی می خواهند یا باید بدانند؟ آنها چگونه ترجیح می دهند که اطلاعات را ارائه دهند؟ آیا هنوز هم سعی می کنند بهترین مسیر را انتخاب کنند یا اینکه آنها کار را انجام داده اند و اکنون باید از موانع و آسیب پذیری های مسیر انتخاب شده خود آگاه شوند؟ " سایر افراد در تیم نیز باید بدانند چگونه چالش های احتمالی را حل کنند.

The analyst's contribution is in recognizing the unlikely or providing connections that are not obvious. Consumers must get information in a timely manner, not after they commit to a decision they might not have made having rougher information available sooner.

تحلیلگر باید در شناختن یا ارائه ارتباطاتی که واضح نیستند مشارکت داشته باشد. مصرف کنندگان باید اطلاعات را به موقع دریافت کنند، نه پس از اتخاذ تصمیم، ممکن است آنها اطلاعات بیشتری را در دسترس نداشته باشند. "

"If you are examining a problem and there is no intelligence available, or the available intelligence is insufficient, be aggressive in pursuing collection and in energizing collectors. ... As an analyst, you have the advantage of knowing both what the consumer needs to know (sometimes better than the consumer knows himself) and which collectors can obtain the needed intelligence.

اگر شما در حال بررسی یک مشکل هستید و هیچ اطلاعاتی در دسترس نیست، یا اطلاعات موجود ناکافی است، باید در جستجوی و جمع آوری اطلاعات کوشا باشید ... به عنوان یک تحلیلگر، شما این مزیت را دارید که بدانید مصرف کننده نیاز به دانستن چه چیزی دارد (گاهی اوقات بهتر از مصرف کننده او را می شناسید) و کدام جمع آوری کننده می تواند اطلاعات مورد نیاز او را بدست آورد.

"Aggressively pursue collection of information you need. In the Intelligence Community, we have the unique ability to bring substantial collection resources to bear in order to collect information on important issues. An analyst needs to understand the general capabilities and limitations of collection systems. ...If the analyst is in a technical discipline, the analyst might have an insight about a collection system that the operators have not considered.

"به طور مرتب اطلاعاتی را که لازم دارید را جمع آوری کنید. در جامعه اطلاعاتی، ما توانایی منحصر به فردی برای جمع آوری منابع قابل توجهی برای جمع آوری اطلاعات در مورد مسائل مهم داریم. یک تحلیلگر نیاز به درک قابلیت های عمومی و محدودیت های سیستم های جمع آوری دارد. ... اگر تحلیلگر در یک رشته فنی قرار داشته باشد، باید در مورد سیستم جمع آوری اطلاعاتی که اپراتورها در نظر نگرفته اند، آگاهی داشته باشد.

Intelligence analysis is also extremely high context. Whether the subject is political behavior or weapons capabilities, the analysts and consumers share a great deal of context. Intelligence consumers express great frustration with generic papers that waste their time by giving them context they already have internalized.

همچنین آنالیز اطلاعات بسیار متناقض است. تحلیل گران و مصرف کنندگان، صرف نظر از اینکه موضوع رفتار سیاسی یا قابلیت های سلاح باشد، تناقضات زیادی را به اشتراک می گذارند. مصرف کنندگان اطلاعات سرشار از نشریات عمومی هستند که زمان خود را صرف فراهم کردن اطلاعات از دست می دهند.

Collection processes provide analysts with assorted bits of information, some critical and some irrelevant, some true and some false (with many shades in between), and some requiring further preprocessing before they can be used in analysis. Collation describes the process of organizing raw data, interpolating known data, evaluating the value of data, putting in working hypotheses.

فرایندهای جمع آوری تحلیل هایی با اطلاعات مختلف ارائه می دهند، برخی از این اطلاعات مهم و برخی از بی اهمیت هستند، برخی از آنها درست و برخی نادرست می باشند (و ابهامات زیادی در بین آنها است)، و برخی از اطلاعات نیاز به پیش پردازش بیشتر دارند قبل از آنکه برای آنالیز استفاده شوند. **تطبیق** فرایند سازماندهی داده های خام، درونیابی داده های شناخته شده، ارزیابی ارزش داده ها و قرار دادن فرضیه های کار را توصیف می کند.

The more interactive that the relationship between producer and consumer becomes, the more important will be tools. These include: Collaboration tools (all media: voice, video, instant messaging, electronic whiteboards, and shared document markup), Databases, and Analytic tools, that cover a wide range of pattern recognition and knowledge organization.

هرچه رابطه بین تولید کننده و مصرف کننده بیشتر برقرار شود، ابزار مهم تر خواهند شد. این موارد عبارتند از: ابزارهای همکاری (همه رسانه ها: صدا، ویدئو، پیام های فوری، تخته های الکترونیکی و نشانه گذاری سند مشترک)، پایگاه های داده، و ابزار تحلیلی، که طیف گسترده ای از تشخیص الگو و سازمان دانش را پوشش می دهد.

An analysis is not a nicely arranged scrapbook of raw data. It should have a summary of the key characteristics of the topic, followed by the key variables and choices. Increasingly deep analysis can explain the internal dynamics of the matter being study, and eventually to prediction, known as estimation. The purpose of intelligence analysis is to reveal to a specific decision maker the underlying significance of selected target information. Analysts should begin with confirmed facts, apply expert knowledge to produce plausible but less certain findings, and even forecast when the forecast is appropriately qualified.

آنالیز، یک دفترچه خاطرات مرتب شده از داده های خام نیست. آنالیز باید خلاصه ای از کاراکترهای کلیدی موضوع همراه با متغییرها و انتخاب های کلیدی باشد. آنالیز عمیق می تواند دینامیک داخلی موضوع مطالعه را بیان کند، و در نهایت پیش بینی نماید که به آن *تخمین زدن* گفته می شود. هدف از آنالیز اطلاعات به نشان دادن اهمیت اطلاعات انتخاب شده هدف به تصمیم گیرنده خاص است. تحلیلگران باید با تایید واقعیت ها شروع کنند، سپس دانش تخصصی را برای تولید نتایج قابل قبول اما وضوح کمتر اعمال کنند، و حتی زمانی که امکان پیش بینی وجود دارد پیش بینی مناسب انجام دهند.

Analysts should not, however, engage in fortunetelling that has no basis in fact. Analysis is the separation of a whole into its parts to allow an examination and interpretation of the information. Analysis typically involves certain methods and techniques, some of which are statistical, others which are not, which reveal patterns and trends that often reveal the probability of conclusions. Analysis is the "working" of collected intelligence to explore contexts and anticipated events in their fullest political, military, economic, diplomatic and cultural implications.

با این وجود، تحلیلگران نباید از شانس و اقبال استفاده کند که در واقع هیچ پایه ای ندارد. آنالیز اجازه بررسی تک تک قطعات از سیستم کلی را می دهد تا بتوان اطلاعات را بررسی و تفسیر کرد. آنالیز معمولا شامل روش ها و تکنیک های خاصی می شود، بعضی از آنها آماری هستند و برخی نیستند، روش های آماری الگوها و روند هایی را نشان می دهند که اغلب احتمال نتیجه گیری را بیان می دارند. آنالیز از اطلاعات جمع آوری شده برای کشف زمینه ها و پیش بینی رویدادهای در کامل ترین مفاهیم سیاسی، نظامی، اقتصادی، دیپلماتیک و فرهنگی استفاده می کند.

Intelligence analysis has been an integral part of the work of intelligence agencies for many years, and some advanced techniques have emerged. The CIA, for example, has the Advanced Analytic Tools office in the Directorate of Science and Technology where some of its top analysts are employed. There are four (4) main analytical tools used in advanced analysis.

آنالیز اطلاعات سال هاست که بخشی جدایی ناپذیر از کار آژانس های اطلاعاتی است و برخی تکنیک های پیشرفته برای آن به وجود آمده است. برای مثال CIA، دفتر اداری پیشرفته تحلیلی در اداره علم و فناوری دارد که برخی از آن تحلیلگران برتر را استخدام می کند. چهار (4) ابزار اصلی تحلیلی در تحلیل پیشرفته وجود دارد و مورد استفاده قرار می گیرد.

(1) Psychological profiling — first used around 1986 to map out the minds of foreign leaders. Under the direction of CIA Chief Profiler, Jerrold Post, the technique of profiling used was much more clinical and psychodynamic than FBI methods. Since then, the CIA has evolved its profiling capabilities to center around the psycholinguistic analysis of oral and written rhetoric by foreign leaders, and some modern techniques even include gait analysis, or what you can tell from how a person walks.

(1) پروفایل روانشناسی - برای اولین بار در سال 1986 برای طراحی ذهن رهبران خارجی مورد استفاده قرار گرفت. تحت هدایت مدیر ارشد سیا، جرلد پست، روش تشخیص استفاده شده بسیار علمی تر و روان شناختی تر از روش های FBI بود. از آن به بعد، CIA توانایی های پروفایل خود را برای تمرکز بر روی آنالیز روانشناختی سخنوری های شفاهی و نوشتن منابع توسط رهبران خارجی تکامل داده است و برخی از تکنیک های مدرن حتی شامل آنالیز راه رفتن انجام شد که بیان می دارد حالت راه رفتن فرد بیان کننده چه چیزی است.

(2) Estimative intelligence — involves national estimates about the strength, size, and capabilities of another nation’s military and/or counterintelligence threat. All sources, even open sources, are often used for data collection, but analysis in this area tends to be driven by the need for justifying military or technical superiority, and there are similarities between an intelligence analyst and an economic analyst in this respect, but the hard part is sociological estimation of the "mood" of a nation. Estimative intelligence is all about judging the probable outcomes of something - you do one thing, and others do something else.

(2) اطلاعات تخمینی - شامل برآوردهای ملی در مورد قدرت، اندازه و قابلیت های ارتش و / یا تهدیدات ضد اطلاعات کشوری دیگر است. تمام منابع، حتی منابع متن باز، اغلب برای جمع آوری داده ها استفاده می شوند، اما آنالیز در این زمینه به واسطه نیاز به توجیه برتری نظامی یا فنی هدایت می شود و بین تحلیلگر اطلاعاتی و تحلیلگر اقتصادی در این رابطه شباهت وجود دارد، اما بخش دشوار آن برآورد جامعه شناختی «خلق و خوی» یک ملت است. اطلاعات تخمینی بیان کننده قضاوت در مورد نتایج احتمالی چیزی است - شما کاری انجام می دهید، و دیگران کار دیگری انجام می دهند.

(3) Warning intelligence — involves threat assessment, the analysis of surprise, intelligence failures, and other indicators of catastrophe. It’s the use of hindsight to improve foresight, and the ultimate product is a set of Indicators and Warnings (I & W) to detect indicators of potential threats while sufficient time exists to counter those same threats. The intelligence mechanism, however, always functions better after a crisis than before.

(3) اطلاعات اخطار دهنده- شامل ارزیابی تهدید، آنالیز تعجب، شکست های اطلاعاتی و سایر شاخص های فاجعه است. این روش از چشم انداز برای بهبود پیش بینی استفاده می کند، و محصول نهایی مجموعه ای از شاخص ها و هشدارها (I & W) برای تشخیص شاخص های تهدید بالقوه است در حالی که زمان کافی برای مقابله با تهدیدات مشابه وجود دارد. با این حال، مکانیزم اطلاعات همیشه پس از یک بحران، بهتر از قبل عمل می کند.

Much of military science is related to this type of intelligence in that famous military battles are studied (e.g., Barbarossa, Pearl Harbor, Dieppe, Arnhem, Battle of the Bulge, Tet Offensive), although some of these battles are not strictly cases of warning problems as much as they are an orderof- battle analysis problem (e.g., Arnhem). Pearl Harbor, the Chinese surprise offensive in the Korean War, and the Yom Kipper War constitute the classic case studies in warning problems.

بسیاری از علوم نظامی مربوط به این نوع اطلاعات در جنگ های معروف نظامی مورد مطالعه قرار گرفته اند (به عنوان مثال، بارباروسا، پرل هاربر، دایپ، آرنهم، نبرد باگل، حمله تیت)، اگر چه برخی از این جنگ ها موارد هشدار دهنده مشکلات برای آنالیز خاص نبودند (به عنوان مثال، آرنهم). پرل هاربر، حمله تعجب آور چینی ها در جنگ های کره ای و جنگ یوم کیپر، مطالعات موردی کلاسیک در مورد موارد هشداردهنده را تشکیل می دهد.

(4) Fusion intelligence — involves joint or collaborative efforts to develop multi-intelligence products of a global, regional, or national nature. Real-time data sharing and combined work on analytic processes are hallmarks of this activity, and frequently involve public-private partnerships.

(4) اطلاعات مصنوعی - شامل تلاشهای مشترک یا همکاری برای توسعه محصولات چندگانه اطلاعاتی از طبیعت جهانی، منطقه ای یا ملی است. به اشتراک گذاری داده ها در زمان واقعی و کارهای ترکیبی در فرایندهای تحلیلی، نشانه های این فعالیت است و اغلب مشارکت های دولتی و خصوصی را شامل می شود.

 Within government intelligence agencies, fusion intelligence is sometimes handicapped by the "one-nation rule" or custom in which analytic products are only shared with one nation (say between the UK and US or Israel and US) and are not passed on to a third nation to avoid problems of hearsay.

در ادارات اطلاعاتی دولتی، اطلاعات مصنوعی گاهی اوقات توسط «قانون یک ملت» و یا سفارشی که در آن محصولات تحلیلی تنها با یک ملت مشترک هستند ایجاد می شود (بین انگلیس و آمریکا و یا اسرائیل و آمریکا) این اطلاعات به کشوری سوم انتقال داده نمی شوند تا از شکلات استراق سمع و افشا شدن جلوگیری شود.